

## کتابی راوی محور

مجید سانکهن

نویسنده و پژوهشگر



خیلی از رویان دفاع مقدس به دلایل مشخص اهل گفت و گو و بیان خاطرات خودشان نیستند به همین دلیل به سختی می شود از آنها اطلاعاتی گرفت. باید با ارتباطات بسیار نزدیک و دوستانه وارد شد تا برای نویسنده از ماجراهای جنگ و دفاع مقدس

تعریف کنند که این موضوع مقداری باعث دلسردی نویسنده می شود ولی در فرآیند نوشتن این کتاب، ناامید نشدیم و آقای نوروزشاد هم بسیار به ما در بیان خاطرات و نوشتن کتاب کمک کرد.

نادر نوروزشاد، قبل از این که راوی باشد، یک خبرنگار حرفه ای بود؛ ما برای نوشتن کتاب با حاج نادر وارد لایه برداری اسناد شدیم و در ماجراهای متعدد، راوی خود را نشان داد و به دلیل این که یکی از موارد مهم نوشتن یک کتاب، ریزنگاری و نوشتن ادبیاتی درست از موضوع است، به این نتیجه رسیدیم که این کتاب باید در قالب نامه نوشته شود.

این کتاب راوی محور و متن کتاب از زبان راوی نوشته شده است. بنده نخواستم که از زبان من مطالب بازگو شود. مایک روایت فرامتنی ایجاد کردیم و این موضوع به جذابیت کار اضافه کرد.

گزارش هایی از زمان جنگ و همین طور دست نوشته هایی داشتیم و از اتفاقات می نوشتیم. تجربه خبرنگاری ام نیز در حوزه روایت بسیار موثر بود. نوع خبرنگاری از جبهه جنگ، ابداع ما بود؛ این که خبرنگار در عملیات ها باشد، روایت کند و گزارش بدهد، برای اولین بار توسط ما انجام گرفت. من حتی یک گزارش از والفجر مقدماتی شکست خورده در جنگ نوشتم و همان زمان هم در یکی از مجلات چاپ شد و مورد انتقاد بسیاری هم قرار گرفت. هدفم این بود که بچه ها با این حقیقت مواجه شوند که در جنگ هم شکست هست و هم پیروزی.

وظیفه مهم هر نویسنده این است که هر خاطره یا مطلبی را می خواهد بیان کند، حتماً آن موضوع را با صاحب یا راوی آن خاطره چک کند تا مشکلی در این زمینه پیش نیاید.

راویان جنگ و کسانی که از دفاع مقدس مطالبی را بیان می کنند، طبیعتاً در همه جا حضور نداشتند و لذا ممکن است راوی یا فرمانده ای خاطره ای نقل کند که یک راوی دیگر در آن زمان و مکان نبوده و به نظرش برسد که موضوع غیر واقعی است؛ در صورتی که این چنین نیست. روایت «حمله شیمیایی حاج قاسم» هم در همین راستاست که توسط یک نفر که آنجا بوده، نقل شده و آقای نوروزشاد هم این خاطره را برای بنده نقل کردند.

این ماجرا واقعی است و اتفاق افتاده است. این ترند که باتیتر «حمله شیمیایی حاج قاسم» همه جا ترند شد و موضوعاتی را دربر گرفت، یک ترند جنگ روانی است و ماجرا که به صورت کامل در کتاب بیان شده، از این قرار است که حاج قاسم در یکی از عملیات ها، چربی گوشت را به صورت انبوه در آتش ریخته بود و بو و دود آن، باعث آزار نیروهای بعثی شده بود.

یادداشتی بر کتاب «ماهی ها به دریا برمی گردند» نوشته مرضیه اعتمادی

## کتابی کم حجم و خوش خوان

فاطمه سلیمانی ازندریانی

نویسنده

یادم نیست اولین بار اسم فلسطین را کی شنیدم. مثلاً چند ساله بودم که فهمیدم جایی توی این کره خاکی هست به اسم فلسطین که سال هاست درگیر جنگ و اشغال است یا این که چند ساله بودم که فهمیدم به جمعه آخر ماه رمضان می گویند روز قدس و مردم به خاطر فلسطینی ها با زبان روزه راهپیمایی می کنند. اسم این سرزمین را خیلی وقت پیش شنیده ام اما چیز زیادی درباره اش نمی دانستم. آن قدری می دانستم که مسجدی به نام بیت المقدس در فلسطین وجود دارد که به مسلمانان اجازه نمی دهند در آن مسجد نماز بخوانند.

## کرانه باختری کجاست

همه این ماجراها گذشت تا چند سال پیش که مسأله اشغال دوباره خانه های فلسطینی پیش آمد. توی رسانه ها می دیدیم که مردم را از خانه های شان بیرون می کردند و بعد اشغالگران ساکن آن خانه ها می شدند. توی فیلم ها زنان و مردانی را می دیدیم که جلوی خانه خودشان ایستاده اند و به ساکنین جدید ناسزا می گویند.

همان روزها بود که عده ای شروع کردند به روشننگری درباره فلسطین. با نقشه و عکس توی صفحات مجازی نشان مان دادند که کرانه باختری کجاست و غزه کجا و فرق این دورا برای مان روشن کردند. حتی فهمیدیم آن مسجد، مسجد اصلی نیست که همه دعاها سر آن است.

حالا از فلسطین بیشتر می دانستیم و حماس را بیشتر می شناختیم. حالا فهمیده بودیم که غزه یک زندان بزرگ روباز است. دغدغه مان درباره قدس، غزه و فلسطین محدود می شد به همان روز قدس. هم ما و هم رسانه ها.

تا هفت اکتبر و شروع یک نسل کشی جدید. حالا دیگر نمی توانستیم غزه و فلسطین را نبینیم. حالا همان قدر دل نگران آن سرپیچه ترسیده توی فیلم بودیم که نگران بچه کوچک خودمان بودیم. بچه خودمان را بغل می کردیم و برای بچه های بی پناه غزه اشک می ریختیم و مویه می کردیم. بعضی های مان توی صفحات مان شروع کردیم به ابراز انزجار. برخی دوباره شروع کردند به روشننگری. برخی پول و طلا برای جبهه مقاومت و مردم گرسنه غزه ارسال کردند و برخی دست به قلم شدند و از فلسطین نوشتند.

## داستانی واقعی

مثل مرضیه اعتمادی با کتاب «ماهی ها به دریا برمی گردند»؛ داستانی واقعی که با تخیل آمیخته شده است. بخش تخیلی ماجرا مربوط به یک زن و شوهر جوان است که در یک سوئیت دانشجویی زندگی می کنند و همسایه ای فلسطینی دارند. بخش واقعی داستان، داستان زندگی آن خانواده فلسطینی است. زندگی در بستر تاریخ.

در این کتاب تخیل و واقعیت آن قدر درهم تنیده شده که اگر کسی نویسنده اثر را نشناسید، گمان می کنید که

همه اتفاقات واقعی است. ای کاش نویسنده در مقدمه کتاب، هم درمورد بخش تخیلی داستان توضیح می داد و هم به روند مصاحبه ها اشاره می کرد. البته نبود این مقدمه در اصل ماجرا خللی ایجاد نکرده است.

## قلم روان و شیرین

مرضیه اعتمادی را پیش از این به عنوان نویسنده کتاب های ناداستان می شناختیم اما این بار با همان قلم روان و شیرین تا حدود زیادی از پس خلق داستان برآمده است. هم گره افکنی هم تعلیق و هم شخصیت پردازی. گرچه همه اینها در خدمت روایت اصلی داستان است. جذابیت ماجرای اصلی، باعث شده تا فاصله بین گره گشایی ها تا گره بعدی پر شود و روند بدون تعلیق داستان به چشم نیاید.

نویسندگان زیادی هستند که برای بیان واقعیت متوسل به داستان می شوند. یکی از طرفند هایی که در چند سال اخیر رایج شده، زاویه داشتن با سوژه اصلی یا بی خبری از آن است. مثلاً یک مسیحی با یک مسلمان اهل تسنن وارد مسیر اربعین شده، کم کم با فلسفه اربعین آشنا می شود یا آشنایی یک دختر بی حجاب با یک خانواده شهید و تحول دختر.

## تفاوت این داستان با داستان های مشابه

مرضیه اعتمادی هم برای روایت ماجرای خانواده همسایه، از همین ترند استفاده کرده. عاطفه، شخصیت اصلی داستان با مسأله فلسطین بیگانه است و در روند داستان کم کم با آن آشنا می شود اما تفاوت این داستان با داستان های مشابه این است که عاطفه این داستان، یک زن جوان مذهبی است و قرار نیست متحول شود. او فقط قرار است تحت تأثیر قرار بگیرد اما آیا لازم است که همیشه از این تکنیک استفاده کنیم؟ به نظر من نه. حتی اگر عاطفه با مسأله فلسطین آشنایی داشت، هیچ ضربه ای به روایت اصلی وارد نمی شد. حتی آشنایی او با مسأله فلسطین می توانست برخی از ماجراها را روشن تر کند. مثلاً او در جایگاه راوی به روز نکبت اشاره می کرد و بعد روایت راوی دوم را ثبت می کرد. اعتمادی در این کتاب فقط تاریخ جنایات اسرائیل را روایت نکرده بلکه او به بهانه روایت زندگی شخصیت های فلسطینی، به سبک زندگی و آداب و رسوم آنها نیز پرداخته است. از مراسم عروسی گرفته تا مراسم عزا و مراسم رسمی: «ریحان، اینها به عید فطر و قربان می گویند عید. این دو روز برای شان خیلی اهمیت دارد. رضوان می گفت چند روز قبل از عید، همه جمع می شدند خانه مادر بزرگش و به تعداد زیاد کیک می پختند.» «طوبی و دخترها می گویند سماقیه یک غذای دسته جمعی است. مثل حلیم؛ تنها خوردنش، کیف نمی دهد».

ماهی ها به دریا برمی گردند، کتابی کم حجم و خوش خوان است که می شود در یکی دو نشست آن را خواند و به فلسطین فکر کرد. چه با مسأله فلسطین بیگانه باشی و چه مسلط به همه رویدادها و وقایع. ماهی ها به دریا برمی گردند، به قلم مرضیه اعتمادی در ۲۰۸ صفحه قطع رقی، با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه و با قیمت ۱۲۰ هزار تومان در نشر شهید کاظمی روانه کتابفروشی های سراسر کشور شده است.



## اعتمادی در این

## کتاب فقط تاریخ

## جنایات اسرائیل

## را روایت نکرده

## بلکه او به بهانه

## روایت زندگی

## شخصیت های

## فلسطینی، به

## سبک زندگی و

## آداب و رسوم آنها

## نیز پرداخته است؛

## از مراسم عروسی

## گرفته تا مراسم

## عزا و مراسم

## رسمی

